

بررسی اجمالی چگونگی پیدایش و گسترش تاریخ ادبیات روسیه*

جان‌اله کریمی مطهر

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

چکیده

در مقاله حاضر، ابتدا تاریخچه پیدایش و توسعه تاریخ ادبیات روسیه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تاریخ پیدایش ادبیات روسیه به اواخر قرن دهم، یعنی به زمان پذیرش مذهب مسیحیت به عنوان مذهب رسمی و دولتی روسیه برمی‌گردد. سپس سبک‌ها و آثار اولیه ادبیات روسیه باستان و همچنین موضوعات آنها بررسی می‌شوند. به رایج بودن سبک‌هایی مانند سالنامه‌نویسی، پندنامه‌نویسی، حکایت و سفرنامه‌نویسی نیز اشاره شده است، همچنین به صورت اجمالی، به ویژگی‌های آثاری مانند داستان سال‌های گذشته و کلامی در مورد هنگ ایگور پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی

تاریخ ادبیات، روسیه باستان، آثار، سبک‌ها، موضوعات

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «تحلیلی بر آموزش ادبیات روسی از آغاز تا قرن بیستم»، شماره ۳۶۳/۱/۴۶۸ است، که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام گرفته است.

مقدمه

ادبیات روسیه قدمتی در خور توجه دارد و یکی از غنی‌ترین ادبیات جهان است. ریشهٔ پیدایش آن به نیمهٔ دوم قرن دهم میلادی برمی‌گردد. پیدایش ادبیات در روسیه ارتباط مستقیمی با پیدایش مذهب مسیحیت دارد. اکثر قریب به اتفاق محققان روسی معتقدند که خط، و در پی آن ادبیات، با مذهب وارد روسیه شدند. اما تعداد محدودی از آنها بر این باورند که خط قبل از پذیرش مذهب در روسیه وجود داشته است. اینان در تأیید نظریهٔ خود به این مطلب اشاره می‌کنند که «در سال ۱۹۴۹ در اطراف *اسمانسک*^۱ هنگام کاوش‌های باستان‌شناسی، ظروفی را با رونوشت پیدا کردند که مربوط به اوایل قرن دهم بود، این یافته‌ها بیانگر آنند که خط قبل از مسیحیت در روسیه وجود داشته است. این گروه، همچنین یادآور می‌شوند که روسیه در اوایل قرن دهم، قراردادی را با دولت *بیزانته*^۲ منعقد نموده بود که کپی آن به زبان *اسلاوی*^۳ موجود است» (ساخاروف^۴ ۱۹۹۹، صص ۱۳۲-۱۳۳).

بحث و بررسی

تاریخ شکل‌گیری اولین حکومت در روسیه، به قرن نهم میلادی برمی‌گردد. مدت زیادی بود که هیچ سندی در بارهٔ شکل‌گیری حکومت در روسیه وجود نداشت، تا این که «در سال ۱۸۹۲ یکی از خاورشناسان به هنگام جستجوی کتاب‌های قرون وسطی در بخارا^۵، دست‌نوشته‌ای را به زبان فارسی پیدا کرد که حاوی اطلاعات بسیار جالبی در مورد

1- Смоленск

2- Византия

3- Славян

4- Сахаров

5- Бухаре

روسیهٔ اوایل قرن نهم میلادی بود» (ریباکوف^۱، ۱۹۹۱، ص ۴۵). البته اولین یادآوری در مورد روسیه، به قبل از قرن نهم میلادی یعنی در فاصلهٔ بین قرن پنجم تا هفتم میلادی برمی‌گردد: «در فاصلهٔ بین قرن پنجم و هفتم اولین بار یونانیان بودند که از قوم روس و ... به عنوان یکی از اقوامی که در کنار رود دنیپر^۲ زندگی می‌کنند، یادآوری کردند (ساخاروف، ۱۹۹۹، ص ۳۴).

سعید نفیسی در کتاب *تاریخ ادبیات روسی* می‌نویسد: قدیمی‌ترین اثری که از دولت اسلاو در تاریخ مانده، مربوط به دوران ریوریک^۳ امیر اسلاوهاست که در اواسط قرن نهم میلادی می‌زیسته و مرکز حکمرانی او شهر نوگورود^۴ بوده است.

نفیسی در مورد چگونگی پیدایش و گسترش نژاد روس (اسلاو) می‌نویسد: «در این زمان، اسلاوها از شمال و جنوب در میان دو نژاد بیگانه محصور بوده‌اند. از شمال فنلاندی‌ها تا نزدیک نوگورود را گرفته و مشرق روسیه را متصرف شده و در آن‌جا با ترکان همسایه شده بودند و تنها یک پنجم روسیه امروز در دست اسلاوها بود. بزرگترین ویژگی نژاد اسلاو در تاریخ، سرعتی است که آنان در انتشار و گسترش قلمرو خود داشته، نژادهای همسایه را تحلیل برده و در خود مستهلک کرده‌اند

از طرف جنوب و مشرق اسلاوها با طوایف ترک همسایه بوده‌اند و نزدیک به هفتصد سال این قبایل ترک بودند که بر آن‌ها برتری داشته‌اند. در این مدت، از شمال کوه‌های قفقاز گرفته تا ساحل باختری دریای خزر در دستشان بوده، با ایران همسایه بوده‌اند و همیشه از راه دربند و *داریال* به ایران می‌تاخته‌اند. این قبایل ترک به نژادها و تیره‌های متعدد منقسم بوده‌اند. معروف‌ترین آن‌ها همان طایفهٔ معروف خزر بوده است که مدت‌ها

1- Рыбаков

2- Днепр

3- Рюрик

4- Новгород

دانشمندان در اصل آنها شک داشته‌اند، اما اینک تردیدی نیست که آنان از نژاد ترک بوده‌اند و مانعی که برای تجاوز به خاک ایران داشته‌اند، رشته کوه‌های قفقاز بوده است. نام دریای خزر بدان جهت است که ایشان در ساحل غربی آن ساکن بوده‌اند.

این خیل ترکان که برای شناخت و تشخیص آنان از دیگر ترکان که در خاور دریاچه خزر می‌زیسته‌اند به ترکان غربی شهره‌اند، به طوایف بسیاری تقسیم می‌شده‌اند که معروف‌ترین آن‌ها طایفه پچنگ بوده است.» (نفیسی ۱۳۶۷، صص ۷-۸)

نفیسی در مورد سرنوشت بعدی اقوام ترک ساکن روسیه و چگونگی فائق آمدن *اسلاوها* بر آنان می‌نویسد: «سرانجام در قرن هفتم هجری که جنگجویان مغول به روسیه تاختند این ترکان غربی را نابود کردند. و سپس که از روسیه رفتند اسلاوها از ناتوانی ایشان بهره‌مند شدند و ایشان را رانده‌اند. چنان‌که عده‌ای از {آنان از} کوه‌های قفقاز گذشته به خاک ایران آمدند و عده‌ای {نیز} به ترکیه امروز و شبه جزیره کریمه و کشورهای بالکان و حتی در اروپای شرقی پناهنده شدند. و عده‌ای {هم} که در جای خود مانده‌اند، تاتارها و داغستانی‌های امروزاند» (نفیسی ۱۳۶۷، ص ۸)

در نیمه دوم قرن دهم میلادی، در دوران حکومت ولادیمیر سویاتاسلاویچ^۱ بود که روسیه مذهب مسیحیت را پذیرفت و به دنبال آن بود که خط و نوشتار وارد روسیه شد. در اینجا پذیرش مسیحیت به عنوان دین رسمی و دولتی روسیه مد نظر است. قبل از قرن دهم میلادی در روسیه مسیحیت به عنوان دین اقلیت وجود داشت، «اولین بار در قرن نهم دو بار شاهزادگان تلاش کردند تا روسیه را به مسیحیت نزدیک کنند که تلاش‌های آنان با عکس‌العمل شدید بت‌پرستان روبرو شد.» (ساخاروف ۱۹۹۹، ص ۵۸). در اواخر قرن دهم «برادران سیریل^۲ و مفودی^۳ مبلغان مسیحی مقلدونه که خود را وقف مسیحی کردن

1- Владимир Святославич

2- Апокрифы

3- Мефодий

کردند. «انجیل کلید دستیابی به ارزش‌های فرهنگ اروپاست. انجیل تأثیر زیادی در توسعه ادبیات، خصوصاً ادبیات قرون وسطی داشت. هم‌زمان با انجیل و تورات کتاب‌های مذهبی *آپاکریف* (کلمه *آپاکریف* در زبان یونانی به معنی «پنهانی» و «مخفی» است. کتاب‌هایی را که بعضی از موضوعات تورات و انجیل را گسترش و تکمیل کردند، ولی جزء آن‌ها نبودند را این‌گونه می‌نامیدند. علت این‌که آن‌ها را مخفی می‌نامیدند مختلف است: بعضی از این آثار را به خاطر این‌که نویسنده و ریشه پیدایش آن‌ها مشخص نبود، این‌گونه می‌نامیدند؛ برخی دیگر را به دلیل این‌که کلیساها آن‌ها را ممنوع کرده بودند، پنهان می‌کردند تا نابود نشود؛ بعضی از این آثار جزء کتاب‌های ممنوعه بودند؛ برخی دیگر نه تنها ممنوع نبودند، بلکه در کنار دیگر آثار فیلسوفان و مقدسان مسیحی قرائت می‌شدند) هم در روسیه پیدا شدند. این آثار حاوی اسطوره‌ها، افسانه‌ها و قصه‌های اسرارآمیزی در مورد پیدایش جهان، بهشت، جهنم و اولین انسان‌ها است که در کتب مقدسه نبوده است.» (دایره‌المعارف ادبیات روسیه ۲۰۰۲، صص ۱۴۳-۱۴۹). همه محققان ادبیات روسیه باستان در این باره اتفاق نظر دارند که پذیرش دین مسیحیت به گسترش و توسعه نوشتار در روسیه تحرک خاصی بخشید و «ضرورت ترجمه کتاب‌های مسیحی، از جمله انجیل، نقش مهمی در پیدایش خط اسلاوی داشت.» (دایره‌المعارف ادبیات روسیه ۲۰۰۲، ص ۱۴۶). در زمان حکومت *یاراسلاو مودری*^۱ و فرزندانش، باسوادان کلیساها و همچنین مترجمانی از *بیزانته*، *بلغارستان* و *صربستان* در صومعه‌ها به ترجمه کتاب‌هایی از زبان‌های یونانی و بلغاری پرداختند. به همین دلیل آثار اولیه ادبیات روسیه، دارای محتوای مذهبی و اخلاقی-آموزشی است و به طور جدی در خدمت نیازهای والای روحانی و معنوی انسان است. البته در اینجا ادبیات کتبی روسیه مد نظر است که ریشه پیدایش آن در روسیه به اواخر قرن دهم میلادی می‌رسد، تا آن‌جایی که ما می‌دانیم زمان پیدایش

ترانه، رقص و پایکوبی (ادبیات شفاهی)، به خیلی زودتر از این دوران برمی گردد و در طول تاریخ همیشه در زندگی بشر بوده است. سنت ادبیات شفاهی در ادبیات هر ملتی وجود دارد و ادبیات روسیه نیز از آن مستثنی نیست. ادبیات شفاهی روسیه بسیار غنی و دارای سبک‌های متنوعی مانند ترانه^۱، قصه^۲، افسانه^۳، داستان حماسی^۴، ضرب المثل^۵، معما^۶ و رباعیات ملی^۷ است. در این آثار جهان‌بینی و نظام فکری مردم روسیه و همچنین مسائل مختلف زندگی آنان مانند رشادت‌ها، پهلوانی‌ها، دفاع از وطن و امور جاری زندگی روزمره‌شان مانند عروسی، تجارت، رقابت و سفر انعکاس یافته است. این آثار نه تنها جنبه سرگرم کننده، بلکه حالت آموزشی هم داشته و در آن‌ها سعی شده است، چگونه زیستن را به شنوندگان بیاموزند.

ادبیات روسیه باستان پایه و بن‌مایه ادبیات معاصر است. دیمیتری لیخاچف^۸ محقق بزرگ ادبیات روسیه باستان می‌نویسد:

«حس حیرت‌انگیز مسئولیت اجتماعی که از ویژگی‌های ادبیات دوران جدید است، در ادبیات روسیه باستان شکل گرفته است. در ادبیات روسیه باستان یک دید عمیق و گسترده نسبت به جهان هستی به وجود آمده است که این مشخصه، یکی از ویژگی‌های ادبیات قرن نوزده نیز می‌باشد.» (کور دیوموا^۹، ۱۹۹۹، ص ۲۳).

ادبیات کهن روسیه از ویژگی‌های بخصوصی نیز برخوردار است، شاید برای فردی

1- Песня

2- Сказка

3- Легенда

4- Былина

5- Пословица и поговорка

6- Загадка

7- Частушка

8- Лихачев

9- Курдюмова

که علاقه‌مند نیست، دلگیر و خسته کننده هم باشد، زیرا در یک سلسله آثار، توصیفات تکراری به وفور دیده می‌شود. علاوه بر این، در برخی موارد، حتی این احتمال وجود دارد که یک اثر چند نویسنده داشته باشد، چون که در آن موقع کتاب‌ها دست‌نویس بودند و کاتبان به راحتی می‌توانستند بعضی از قسمت‌های ناخوشایندشان و مطالبی را که باب میل آنان نبود، حذف و آن چه را که به نظرشان مهم می‌آمد، به متن کتاب بیافزایند...

یکی دیگر از ویژگی‌های ادبیات روسیه باستان این بود که نویسنده به توصیف زندگی شخصی افراد نمی‌پرداخت. نویسندگان روسیه باستان در آثار خود مسائل و موضوعات زندگی شخصی افراد را منعکس نمی‌کردند، آن‌ها به توصیف مسائل و مشکلات وطنشان و همچنین حوادث و وقایع تاریخی علاقه‌مند بودند. در این‌جا فقط نوع «حکایت» مستثنی است که در آن زندگی و فعالیت‌های شخصیت‌های بزرگ و ایده‌آل مذهبی وصف می‌شد، شخصیت‌ها و افرادی که در زمره مقدسان بودند و پاکی اخلاقی آن‌ها برای یک جامعه معنوی الگو و نمونه بود.

مطلب مهم دیگری که در مورد ادبیات روسیه باستان باید اشاره نمود، این است که تخیل در آن نقش مهمی نداشت. نویسندگان آثار این دوره، وقایع و حوادث واقعی و یا آن حوادثی را که اتفاق نیافتاده، ولی مصرانه بدان‌ها باور داشتند، توصیف می‌کردند. ضمناً در ادبیات روسیه باستان تا قرن هفدهم اسامی شرطی و غیرواقعی وجود نداشت، اسامی شخصیت‌های آثار، مستند و تاریخی‌اند.

سبک‌های آثار ادبی روسیه باستان، با توجه به موقعیت و شرایط اجتماعی و همچنین نوع موضوعات مورد بحث تعیین می‌گردیدند. «حکایت» از سبک‌های اولیه ادبیات روسیه باستان است که در آنها زندگی افراد برجسته مذهبی و دولت‌مردان بزرگی که از نظر کلیسا مقدس بودند، توصیف می‌شدند. به عنوان نمونه می‌توان به اثر «روایتی در مورد

بوریس و گلب^۱ اشاره کرد.

موضوعات آثار روسیه باستان معمولاً پیرامون مسائلی اند که روسیه در آن زمان از آن‌ها رنج می‌برد. روسیه در ابتدای قرون وسطی از برادرکشی و اختلافات بین شاهزادگان زبان‌های زیادی را متحمل شده بود، به همین دلیل هم همیشه دست‌خوش تهاجمات دشمنان بیگانه بود. موضوع اثر «روایتی در مورد بوریس و گلب» هم با توجه به مسائل فوق درباره عشق ایدال برادری و وفاداری به وطن است.

یکی دیگر از رایج‌ترین و متداول‌ترین سبک‌های ادبیات روسیه باستان «سالنامه‌نویسی»^۲ بوده است. در این سبک درباریان و راهبان دیر معمولاً وقایعی را که خود شاهد آن بودند یادداشت می‌کردند. یکی از قدیمی‌ترین سالنامه‌های ادبیات روسیه باستان «داستان سال‌های گذشته»^۳ است که راهبی به نام نستور^۴ آن را نوشت. این اثر در مورد پیدایش دولت روسیه و ارتباط آن با تاریخ جهان است. نستور در این اثر داستان خود را در مورد پیدایش جهان آغاز می‌کند و جایگاه/سلاوها و روسیه را در تاریخ جهان نشان می‌دهد. سپس در مورد چگونگی به وجود آمدن شهر (پایتخت) کیف^۵ می‌نویسد و حوادث مهم تاریخی و همچنین شخصیت‌های این حوادث را وصف می‌نماید. شاید به نظر برسد که این سالنامه بیشتر شبیه به یک اثر تاریخی است تا ادبی، اما لازم به یادآوری است که به جز ثبت حوادث اتفاق افتاده در یک زمان خاص، سبک‌های دیگری مانند پندنامه‌نویسی^۶، سفرنامه‌نویسی^۷ و حکایت هم در آن هست. نویسندگان تنها حوادث

1- Повесть о Борисе и Глебе

2- Летописание

3- Повесть временных лет

4- Нестор

5- Киев

6- Поучение

7- Хождения

تاریخی را تعریف می‌کند، بلکه سعی می‌کند آن‌ها را موشکافی کند و علت به وجود آمدن این حوادث را جستجو می‌کند. مثلاً «شکست شاهزادگان در جنگ سال ۱۰۶۶ را در نتیجه خشم خدا می‌داند و دلایل مشخصی را جهت آشکار شدن خشم خدا ذکر می‌نماید» (کوتوزوف^۱، ۱۹۹۸، ص ۵۴). علاوه بر این، سالنامه‌ها حاوی پند و اندرزهای آموزنده بسیاری‌اند. برای مثال در «داستان سال‌های گذشته» بخشی تحت عنوان اندرزهای ولادیمیر ماناماخ^۲ است. در این بخش او به صورت سمبولیک خطاب به فرزندان می‌نویسد: «فرزندان من ... هر جا که می‌روید به محتاجان کمک کنید، فقرا را فراموش نکنید، به کودکان کمک کنید، نسبت به بیوه‌ها عادل باشید و نگذارید قدرتمندان مردم را نابود کنند. ... مغرور نباشید، همه ما رفتنی (مردنی) هستیم، امروز زنده‌ایم ولی فردا در گوریم. همه آن چیزهایی را که داریم برای مدت کوتاهی به ما داده شده است. ... به پیران مانند پدران و به جوانان مانند برادران احترام کنید، بیش از همه مهمانان را از هر کجا که آمده باشند، احترام کنید» (کارووینا^۳، ۱۹۹۸، صص ۲۶-۲۷).

در سالنامه‌های روسیه باستان، نه تنها رشادتها و پهلوانی‌های شاهزادگان، بلکه کتاب و کتاب‌خوانی هم مورد ستایش قرار گرفته است. در «داستان سال‌های گذشته» در هنگام مدح و ستایش یاراسلاو مودری یادآوری شد که او شب و روز مطالعه می‌کرد و مراکز کتاب در دوران او افزایش یافته بود. در این اثر مبحثی است تحت عنوان «ستایش شاهزاده یاراسلاو و کتاب»: «فواید کتاب زیاد است. کتاب هدایت کننده است... رودخانه‌یی است که جهان را سیراب می‌کند و منبع عقل است... عمق بی‌حدی دارد، با آنها در غم تسلی پیدا می‌کنیم... اگر با جدیت در کتاب‌ها دانش را جستجو کنی، حتماً می‌یابی» (کارووینا، ۱۹۹۸، ص ۲۵)

1- Кутузов

2- Владимир Мономах

3- Коровина

یکی دیگر از ویژگی‌های آثار روسی باستان این است که نویسندگان آن‌ها مشخص نیستند. تا قبل از قرن هجدهم میلادی، اکثر آثار به صورت بی‌نام منتشر می‌شدند. فقط در برخی موارد، به صورت اتفاقی و بر حسب شواهد نویسندگان بعضی از آن‌ها را می‌شناسیم. یکی از برجسته‌ترین و مشهورترین آثار ادبی روسیه باستان کلامی در مورد هنگ /ایگور^۱ است که در اواخر قرن دوازده میلادی نوشته شده است. نویسنده این اثر بزرگ و مهم ادبی هم برای خوانندگان مشخص نیست. دیمیتری لیخاچف این اثر را «کلام طلایی ادبیات روسیه» نامید (کوردیومو / ۱۹۹۹، ص ۱۲). کلامی در مورد هنگ /ایگور، حوادث سال ۱۱۸۵ را در برمی‌گیرد. در این سال شاهزاده /ایگور^۲، بدون هماهنگی با قدرت مرکزی و پادشاه کیف به قوم پولوتس^۳ حمله می‌کند و شکست غیرمنتظره‌ای را متحمل می‌شود، خودش و چندتن دیگر از نزدیکانش اسیر می‌شوند. شکست /ایگور تبعات بدی را برای سرزمین روسیه به دنبال داشت. قوم پولوتس پس از این شکست، به روسیه حمله کرد که در نتیجه آن سرزمین روسیه مصائب زیادی را متحمل شد. نویسنده در جهت حفظ سرزمین روسیه و نجات ایگور شاهزادگان دیگر را به کمک دعوت می‌نماید، اما از آنجایی که در بین شاهزادگان وحدت و همفکری وجود نداشت، دعوت او پذیرفته نشد. او (نویسنده) با توصیف لشکرکشی و شکست ایگور نشان می‌دهد که علت شکست لشکر /ایگور در نتیجه پراکندگی و ناهماهنگی شاهزادگان است، به همین دلیل آنان را برای حفظ سرزمین روسیه به وحدت دعوت می‌نماید.

از دیگر گونه‌های قدیمی، رایج و دست‌نویس ادبیات روسیه باستان، /یزبورنیک^۴ (منتخب) است که از مجموعه قطعات، مقالات و کتاب‌های مختلف مذهبی تشکیل شده

1- Слово о полку Игореве

2- Игорь

3- Половец

4- Изборник

به نوعی می‌توان گفت که دایره‌المعارف علوم دینی است. در ضمن باید خاطر نشان کرد که بیشتر این قطعات، ترجمه آثار مذهبی بی‌زنته است. از آنجایی که گزیده مقالات و کتاب‌ها آگاهانه انتخاب می‌شد، به همین دلیل آن‌ها را منتخب می‌نامیدند. «منتخب سال ۱۰۷۳»^۱ و «منتخب سال ۱۰۷۶»^۲ دو اثر برجسته و مهم این شکل ادبی‌اند. دیمیتری لیخاچف در مورد نقش و جایگاه «منتخب سال ۱۰۷۶» می‌نویسد که این اثر مانند یک کتابخانه کوچک تخصصی است: «الان هم در کنار کتابخانه‌های بزرگ، کتابخانه‌های کوچک تخصصی مانند: کتابخانه دانش‌آموزان، کتابخانه دانشجویان وجود دارد. «منتخب سال ۱۰۷۶» هم، همان‌طور که اشاره شد، یک کتابخانه کوچک مخصوص به خود است. دایره‌المعارف یا کتاب راهنما نیست، بلکه کتابخانه کوچک تخصصی است. قطع (اندازه) کوچک کتاب و عدم تزئین غنی آن موجب می‌شود تا حدس بزنیم که کتاب سفر، کتابی که می‌بایست جای کتابخانه بزرگ کیف را برای شاهزادگان می‌گرفت، در مقابل مان قرار دارد. شاهزادگان بیشتر زندگی خود را دائماً در سفر به سر می‌بردند، «منتخب سال ۱۰۷۶» مجموعه لازم‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین مطالب خواندنی شاهزادگان در سفرها بود.» (لیخاچف، ۱۹۹۰، صص ۱۸۰-۱۸۱)

نتیجه‌گیری

بدین ترتیب عدم پرداختن به توصیف زندگی شخصی افراد، نبودن عنصر تخیل و اسامی واقعی در آثار ادبی روسیه باستان و همچنین علاقه به انعکاس موضوعات و حوادث تاریخی و مسائل و مشکلات وطن، از ویژگی‌های اصلی آثار این دوره، یعنی ادبیات قرون وسطی روسیه است. همان‌طور که ملاحظه شد پذیرش مسیحیت به عنوان دین رسمی و دولتی روسیه یکی از حوادث تاریخی بود که تأثیر به‌سزایی در توسعه و شکوفایی ادبیات

1- Изборник 1073 г.

2- Изборник 1076 г.

بررسی اجمالی چگونگی پیدایش و گسترش تاریخ ادبیات روسیه ۱۳۷

روسیه باستان و همچنین در محتوای آثار این دوره داشت. اکثر آنها پیرامون موضوعات مذهبی، اخلاقی و آموزشی‌اند. در اولین آثار ادبیات روسیه باستان، نقل و قول‌های مستقیم و غیرمستقیم زیادی از انجیل دیده می‌شود؛ در این آثار، نویسندگان با اشتیاق به موضوعات مذهبی و تاریخی روی می‌آوردند. در بعضی از سبک‌های ادبیات روسیه، مانند سالنامه نویسی، اسناد و مدارک تاریخی و بسیار قدیمی وجود دارند که در هیچ جای دیگری ثبت نشده است. همان‌طور که مشاهده شد ترجمه و گردآوری آثار مذهبی و اخلاقی هم در اوایل قرون وسطی رونق خاصی در ادبیات روسیه داشت.

منابع

نفیسی، سعید، «تاریخ ادبیات روسی»، چاپ دوم، تهران: ۱۳۶۸.

Качурин М.Г. *Русская литература*, 1995.

Коровина В.Я. *Литература* 7, М., 1998.

Курдюмова Т.Ф. *Литература* 9, М., 1999.

Кутузов А.Г. *В мире литературы*, М., 1998.

Лихачев Д.С. *Труды Отдела древнерусской литературы*, т.XLIV, Л., 1990.

Рыбаков Б.А. *История СССР* 8, М., 1991.

Сахаров А.Н. и Буганов В.И. *История России с древнейших времен до конца 17 века*, М., 1999.